

## طنزهای قومیتی و جنسیتی در ترازوی اخلاق دینی

مهدی فدایی / طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم و دکترای مدرسی معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی).  
fadaei.ac@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۸

### چکیده

یکی از شاخه‌های حوزه مطالعاتی اخلاق کاربردی، اخلاق طنز است. ارائه سیستم ارزش در حوزه طنزپردازی و بررسی تعارضات و چالش‌های اخلاقی، وظیفه شاخه دانشی اخلاق طنز است. آثار مهم در اخلاق طنز تقریباً در حوزه پیامدهای مخرب طنز متمرکز بر دو مسئله اصلی شده- است: طنزهای قومیتی و طنزهای جنسیت‌گرا. در این مقاله برآنیم تا طنزهای قومیتی و طنزهای جنسیتی را بر اساس نظام اخلاق اسلامی تحلیل کنیم. در این تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق اسناد کتابخانه‌ای از روش توصیفی تحلیلی جهت تحلیل و تجزیه داده‌ها استفاده می‌شود. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به غیر اخلاقی بودن طنزهای قومیتی و جنسیتی به دلیل مسئولیت-گریز بودن آنها اشاره کرد.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق طنز، چالش اخلاقی، طنز قومیتی، طنز جنسیتی، مسئولیت‌ناپذیری.

## مقدمه

مقوله طنز و شوخ طبعی از دوران یونان باستان در معرض بررسی‌های اخلاقی بوده است. در هر دو روایت سنتی و معاصر، انتقادات و چالش‌های زیادی<sup>۱</sup> درباره طنز طرح شده است. فلاسفه کلاسیک و متفکران دینی با تمرکز بر آثار زیان‌بخش یا سودمند خنده و طنز به ارزیابی اخلاقی طنز و خنده پرداخته شده است؛ مثلاً افلاطون و هابز طنز را به دلیل اینکه تمسخر، ما را بدذات‌تر می‌کند و از این رو ما با دیگران بدرفتاری خواهیم کرد، غیر اخلاقی قلمداد می‌کنند؛ (گات، ۱۳۸۴: ۲۷۸-۲۷۹) یا اینکه ارسطو و توماس آکویناس از بذله‌گویی و طنز به عنوان یک فضیلت اخلاقی نام برده چرا که معتقد بودند طنز به ما کمک می‌کند آرامش داشته باشیم و از حضور یکدیگر لذت ببریم (موریل، ۱۳۹۲: ۱۵۷). در رویکرد معاصر به طنز چالش‌ها و نقدهای اخلاقی مختلفی وارد شده است. برخی از این انتقادات عبارتند از: طنز نفاق گونه است؛ طنز ایستاست؛ طنز غیرمسئولانه است؛ طنز لذت‌گرایانه است؛ طنز تسلط بر خود را کاهش می‌دهد؛ طنز رویکرد خصمانه دارد؛ طنز حامی هرج و مرج است؛ طنز احمقانه است (همان: ۱۵۹). از سوی دیگر با توجه به فضای رسانه‌ای جدید، آثار مهم در اخلاق طنز تقریباً در حوزه پیامدهای مخرب طنز متمرکز بر دو مسئله اصلی شده است: طنزهای نژادپرستانه<sup>۲</sup> و طنزهای جنسیت‌گرا.<sup>۳</sup> وجود طنزهای قومیتی در ادبیات طنز فارسی و نیز طنزهای جنسیتی، تحلیل اخلاقی این دو گونه از طنز را ضروری می‌سازد. سوال اصلی این پژوهش این است که حکم اخلاقی طنزهای قومیتی و جنسیتی بر اساس نظام اخلاقی اسلام چیست؟

در حوزه اخلاق طنز و چالش‌های اخلاقی این حوزه آثاری ارائه شده است مانند طنز نیکو (کمیجانی، ۱۳۸۸)، پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق (گروه معارف دفتر تبلیغات، ۱۳۸۷)، پایان‌نامه ارشد طنز در قرآن و حدیث (۱۳۹۱)، دانشگاه ایلام)، پایان‌نامه ارشد «اخلاق اسلامی و سریال‌های طنز: تحلیل محتوای سریال‌های پایتخت ۱، در حاشیه، و دزد و پلیس» (۱۳۹۴)، دانشگاه سوره). ولی این آثار صرفاً برخی از بایسته‌های اخلاقی طنز را پرداخته و در هیچکدام رویکرد چالشی و مسئله محور (بررسی چالش‌های اخلاقی و حل چالش‌ها و تعارضات بر اساس روش‌های موجود در حوزه اخلاق کاربردی مثلاً مسئله طنز مصلحت‌آمیز یا مسئله طنز

جنسیتی یا مسئله قومیت و طنز یا مسئله الفاظ رکیک در طنز) یافت نمی‌شود. درباره‌ی وجه نوآوری مقاله حاضر، می‌توان گفت در این مقاله با رویکرد تحلیلی به بررسی دو چالش اخلاقی حوزه طنز پرداخته‌ایم. در این تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق اسناد کتابخانه‌ای از روش توصیفی-تحلیلی جهت تحلیل و تجزیه داده‌ها استفاده می‌شود. شیوه‌ی اصلی این تحقیق در گردآوری اطلاعات شیوه کتابخانه‌ای به صورت متن‌خوانی و استفاده از فیش‌های تهیه شده است.

## الف) مفهوم‌شناسی

در اینجا به سه مفهوم اخلاق، اخلاق کاربردی و طنز می‌پردازیم.

### یک) اخلاق

«اخلاق» واژه‌ای عربی و جمع مکسر خُلُق و خُلُق است. در لغت این دو واژه بر یک اساس واحدند، و به معنای سجیه و سرشت درونی قابل درک با بصیرت اطلاق می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل واژه خلق). برای فهم معنای دقیق اخلاق در این مقاله، بحث از تحلیل گزاره‌های اخلاقی مرتبط با موضوع پی گرفته می‌شود. در گام اول به گزاره‌های ذیل توجه شود:

الف) طنزهای نژادپرستانه غیر اخلاقی است.

ب) طنزهای رکیک غیر اخلاقی است.

ج) طنزهای جبهه اخلاقی/غیر اخلاقی است.

د) طنز به مثابه کنش ارتباطی طنزپرداز یا مصرف‌کننده طنز، اخلاقی/غیر اخلاقی است.

و) طنز (روحیه طنزپردازانه داشتن)، اخلاقی/غیر اخلاقی است.

آنچه در گزاره‌های (الف) و (ب) و (ج) مشترک است، مسئله ارزیابی اخلاقی اثر هنری روایی طنز به مثابه یک اثر هنری روایی<sup>۴</sup> است. در این گزاره‌ها معنای اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن معادل ethical و unethical است؛ به این معنا که در گزاره (الف) و (ب)، طنز نژادپرستانه یا طنز رکیک به عنوان موضوع گزاره اخلاقی، مورد ارزیابی قرار گرفته و حکم به «نادرست» و «بد»

بودن آن داده می‌شود؛ یا در گزاره (ج)، طنز جبهه به عنوان موضوع گزاره اخلاقی، مورد ارزیابی قرار گرفته و حکم به «درست» و «خوب» بودن آن داده می‌شود. گزاره (الف)، (ب) و (ج) در واقع این‌گونه است:

- طنزهای نژادپرستانه نادرست و بد<sup>۵</sup> است.

- طنزهای رکیک نادرست و بد<sup>۶</sup> است.

- طنزهای جبهه اخلاقی و خوب<sup>۷</sup> است.

در اصطلاح فلسفه اخلاق به گزاره‌های (الف)، (ب)، (ج) احکام مربوط به ارزش اخلاقی (احکام ناظر به فضیلت) اطلاق می‌شود (فرانکنا، ۱۳۸۰: ۳۸). البته در اینجا باید میان ارزش اخلاقی و ارزش زیبایی‌شناختی تفاوت گذارد. طنز به عنوان یک اثر هنری می‌تواند دارای ارزش زیباشناختی نیز باشد و حتی به هنگام صدور احکام زیبایی‌شناسی از همان عبارات خوب، بد، با ارزش استفاده شود:

(۱) طنز گل آقا یکی از طنزهای زیبا و خوب است.

(۲) کم‌دی‌های مهران مدیری از طنزهای پسندیده و خوب است.

(۳) برنامه تلویزیونی خندوانه یکی از طنزهای خوب از لحاظ فنی است.

گزاره‌های (۱)، (۲)، (۳) از نوع احکام ارزشی غیراخلاقی هستند شبیه گزاره‌هایی همچون:

«این ماشین خوبی است»، «لذت فی نفس خوب است»، «نقاشی‌های آقای فرشچیان خوب است».<sup>۸</sup>

در گزاره (د) طنز به مثابه یک کنش ارتباطی از منظر اخلاقی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این

تحلیل ارزیابی خوب و بد ناظر به عاملیت طنز (طنزپرداز یا مصرف‌کننده طنز) است؛ چرا که سخن

بر سر یک کنش ارتباطی است و مولفه اصلی کنش، وجود کنش‌گر و انتخاب‌گری وی است. تفوق

بر دیگران یا برقراری یک ارتباط موثر به واسطه طنز، موضوع تحلیل اخلاقی قرار گرفته و بر اساس

معیارهای مشخص ارزش‌گذاری می‌شود مثلاً اینکه طنز به مثابه یک کنش ارتباطی به دلیل انگیزه

تفوق بر دیگران و برتری‌جویی، ارتباطی غیراخلاقی است. در گزاره (و) طنز از منظر اثر هنری یا

کنش‌گری عامل طنز مورد تحلیل اخلاقی قرار نگرفته، بلکه از منظر منش شخصیتی و اینکه

طنزپردازی یک منش شخصیتی است، موضوع اخلاق قرار دارد.

بر اساس این توضیحات، تعریف ما از اخلاق بایستی هر سه سطح اثر هنری روایی، کنش-گری عامل و منش شخصیتی را دربرگیرد. از این رو تعاریفی که بر منش یا رفتار به تنهایی تکیه دارد نمی‌تواند مراد ما را حاصل نماید. به نظر می‌رسد تعریف ذیل با تبیینی که از آن ارائه شده است می‌تواند مراد ما را در این مقاله تأمین کند.

از دیدگاه بعضی از فیلسوفان و اخلاق‌پژوهان، موضوع اخلاق اعم از ملکات و صفات نفسانی است:

«همه کارهای ارزشی انسان را که متّصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس شوند، در برمی‌گیرد و همگی در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرند». استاد محمد تقی مصباح یزدی چنین دیدگاهی را اتخاذ کرده و اظهار داشته است: «قرآن کریم و روایات نیز این سخن را تأیید می‌کنند». طبق این اصطلاح، اخلاق شامل «ملکات و حالات نفسانی و افعالی می‌شود که رنگ ارزشی داشته باشند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۱۴/۱).

## دو) اخلاق کاربردی

در اخلاق کاربردی تمرکز اصلی نه بر روی نظریه‌های اخلاق هنجاری، که بر روی مسائل و مشکلات اخلاقی در عرصه‌های گوناگون است. کارایی نظریه‌های اخلاقی و تقدم آنها بر مسائل و معماهای اخلاقی مهمترین بحث روش‌شناختی در اخلاق کاربردی است؛ با این وصف مصادره به مطلوب خواهد بود اگر اخلاق کاربردی را به کاربست نظریه‌های اخلاقی در مسائل و معماهای اخلاقی تعریف کنیم. افزون بر این که پژوهشگران این رشته اهداف گوناگونی را پی می‌گیرند که حل مسئله اخلاقی و رسیدن به تصمیم، تنها یکی از آن اهداف است. پس بهتر است تعریف وسیع اخلاق کاربردی را بپذیریم:

«به‌کارگیری طیفی از روش‌های فلسفی (شامل تحلیل مفهومی، توازن متفکرانه، پدیدارشناسی، و غیره) را مجاز می‌دانند، و بر حل مسئله به عنوان هدف تأکید نمی‌کنند» (اسلامی، ۱۳۹۳: ۸۷).

اخلاق طنز یکی از زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی است که به تحلیل‌های فلسفی اخلاقی مشکلات و مسائل اخلاقی حوزه طنز و طنزپردازی می‌پردازد. طنزهای جنسیتی و قومیتی از جمله طنزهایی هستند که به دلیل تقویت انگیزه‌های نژادپرستانه و جنسیت‌گرایی، جزء مسائل اخلاقی حوزه طنز به‌شمار می‌رود.

### سه) طنز

برای ارائه یک تعریف ماهیت‌شناختی از طنز، باید دو مسئله را ملاحظه کرد تا بتوان به تعریف دقیق‌تر رسید: مسئله اول؛ ساخت طنز. مسئله دوم؛ بافت طنز. منظور از ساخت، دو چیز است: یکی ساخت صوری طنز و دیگری ساخت معنوی طنز (فولادی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳). بافت، همواره بر ساخت حکم می‌راند، اما این حکمرانی همانند تار و پود قالی در پس نقش‌های آن پنهان می‌ماند. با نگاه اول نمی‌توان چیزی از طنز، جز خود آن دریافت، حال آن‌که طنز، همچون یک نمایش، پر از عوامل و وسایط پشت صحنه است و دست کم نیمی از کمال تعریف آن، به همین عوامل و وسایط (بافت) باز می‌گردد. اگر بخواهیم دقیق‌تر به مسئله بافت طنز بپردازیم، باید بدانیم که این بافت، شامل چهار جزء موضوع، هدف، طنزپرداز و مخاطب است. اینکه موضوع طنز چیست؛ حال بعد از تحلیل هر کدام از بخش‌ها به تعریف دقیقی از طنز دست می‌یابیم:

ساخت صوری طنز: در اکثر تعاریف طنز که برخی از آنها قبلاً ذکر شد، طنز را به عنوان نوعی از آثار ادبی برشمرده‌اند، ساختمان صوری طنز مبتنی است بر تصرف در نظام‌های آشنای انسانی؛ طنزآوری حاصل دستبرد در منطق، روال معمول و سیر طبیعی نظام‌های متنوع حاکم بر مناسبات و قراردادهای انسانی اعم از فردی و اجتماعی، زبانی و غیرزبانی، کلی و جزئی است. مراد از نظام نیز در اینجا نظم معهود و ارتباط معمول بین اجزاست (همان: ۱۴۶). این تصرف در قالب‌های مختلفی انجام می‌گیرد مانند نقیصه، نقیضه، عدم تناسب، برعکس‌گویی، بی‌ربطی، قلب و تحریف، بدخوانی، استعاره بامزه، رفتارناسازگار، تعویض نقش‌های سنتی، تلفظ غلط، رک‌گویی، ازدواج‌های نامتجانس، ناهمخوانی زمانی و تاریخی....

به عنوان نمونه در شوخی‌ها و طنزهای روزمره میان دوستان، یکی یا چند قانون از قوانین

پنج گانه محاوره نقض می شود. پل گریس این پنج قانون را چنین صورت بندی کرده است: (به نقل از: موریل، ۱۳۹۲: ۳۳).

قانون اول	آن چه در باور تو نادرست است نگو.
قانون دوم	از آن چه درباره اش مدرک کافی نداری سخن مگو.
قانون سوم	مبهم سخن مگو.
قانون چهارم	دوپهلو سخن مگو.
قانون پنجم	خلاصه سخن بگو.

حال در ساخت طنز محاوره ای وقتی به شدت مبالغه می کنیم یا عکس چیزی را که باور داریم بیان می کنیم یا سربه سر کسی می گذاریم، در واقع در حال نقض قانون اول هستیم. یا می توان گفت نقض قانون چهارم پایه اغلب طنزها و لطیفه هاست بدین نحو که یک نظر، داستان یا پرسش و... با برداشتی مفروض از یک اصطلاح شروع می شود، اما بعد در خنده گاه تبدیل به برداشتی ثانوی و اغلب متضاد با برداشت اول می شود. مانند نمونه: «ازدواج یک نهاد فوق العاده است ولی من آماده نهاده شدن نیستم» (همان: ۳۴).

ساخت معنوی طنز: طنز از لحاظ ساختار معنایی تصرف مقرون به هزل و خنده است (فولادی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴). در واقع هر تصرف و خلاف عرفی طنز نیست بلکه تصرف و خلاف عرفی طنز است که از آغاز بر پایه هزل شکل گرفته باشد.

طنزپرداز(فاعل): این که چه چیزی باعث تنش در درون طنزپرداز می شود و او برای رفع آن به طنز می گراید، در نظریه های پیرامون طنز به آن پرداخته می شود. با این حال، رویکرد اصلاح طلبانه و انتقادی طنز، ما را مجاز می کند تا تعهد نویسنده و طنزپرداز را در تعریف طنز ملاحظه کنیم (همان).

**موضوع طنز:** موضوع طنز هیچ محدودیتی بر نمی تابد و به عبارتی در آن نحوه نگرش مهم است نه چیستی موضوع (سپهری، ۱۳۹۱: ۳۰). در طنز اگر مثلاً حیوانات موضوع طنز قرار گرفته اند، باز آن چه آماج طنز قرار گرفته نقد موضوعات انسانی مانند فهم و شعور و ... است لذا فرق

است میان موضوع طنز و آماج طنز؛ مثلاً در کتاب خرنامه، موضوع طنز حیوانی است به نام خر ولی آماج طنز در این کتاب موضوعات انسانی همچون ریاست، مدیریت، ... است.

**هدف طنز:** طنز همانگونه که از تاریخ آن پیداست از دغدغه‌ها و تمهیدات زبانی و فرهنگی کهن بشر است. طنز در طول تاریخ با تمامیت تجربه و زندگی و وجود آدمی در آمیخته است. در طول تاریخ تفکر بشری از یونان باستان تا کنون درباره چستی و چرایی طنز، دیدگاه‌های ضد و نقیض شکل گرفته است. علاوه بر این، از آنجا که طنز هم مقوله‌ای ادبی و هنری و هم مقوله یا پدیده‌ای اجتماعی است، حداقل دو گروه از پژوهشگران، یعنی ادبا و منتقدان ادبی و همچنین عالمان علوم اجتماعی در رشته‌های مختلف انسان‌شناسی، فولکلورشناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و روان‌شناسی به بررسی اهداف شکل‌گیری طنز پرداخته‌اند.

به‌طور کلی، دو نوع دیدگاه محافظه‌کارانه و رادیکال نسبت به طنز و متون طنزآمیز وجود دارد. در دیدگاه محافظه‌کارانه هدف طنز را رشد ارزش‌های اخلاقی پذیرفته شده اجتماعی دانسته و معتقد است طنز در کنار معارف اخلاقی و دینی، هدفی جز ارتقای معنوی و کمالات اخلاقی ندارد. اما دیدگاه دوم، نگاهی کاملاً متفاوت به نگرش محافظه‌کارانه دارد و طنز را نه در خدمت اصلاح اخلاق فردی، بلکه در خدمت نقد اجتماعی و اعتراض و مبارزه می‌داند. (فاضلی، ۱۳۹۳: ۳۰ و هریس، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۵) برخی نیز کارکردی روان‌شناختی برای طنز قائلند و به جای توجه به اصلاح اجتماعی یا فردی به پیامدهای روان‌شناختی تأثیر طنز بر مخاطب توجه می‌کنند (برای مطالعه بیشتر ر. ک: نجاریان و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۵-۵۱).

در کل باید گفت ماهیت طنز تفکر بر انگیز، پیچیده و چند لایه است. طنز با نکته‌جویی نقایص، معایب، مظاهر مضحک و متناقض در زندگی فردی و اجتماعی را با چشم بصیر و دقیق می‌بیند و برای نیل به هدفی برتر که همان آگاه‌سازی انسان به عمق رذالت‌ها و اصلاح امور خنده را وسیله خود قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، با توسعه معنایی طنز اهداف دیگری نیز همچون بیان حقیقت، ایجاد فهم تازه نیز به مجموعه این اهداف اضافه می‌شود.<sup>۹</sup>

در یک نگاه جامع می‌توان گفت طنز به جهت اهداف ذیل شکل می‌گیرد:



نقد وضعیت اجتماعی موجود، بیان حقیقت، ایجاد فهم تازه، اصلاح رفتار انسان، رویکرد درمان‌گری.

بر اساس توضیحات بالا طنز را این‌گونه تعریف می‌کنیم:

«یک نوع روش هنر روایی است که در آن هرگونه تصرف در نظم یا نظام‌های آشنای ما و جایگزینی منطقی غیر معمول با منطق آنها در مورد موضوعات انسانی (آماج طنز) به هدف انتقاد وضع موجود یا اصلاح رفتار انسان یا بیان حقیقت یا ایجاد فهم تازه یا درمانگری مخاطب انجام می‌شود و غالباً هم منجر به خنده می‌شود» (تجبر، ۱۳۹۰: ۱۴۸ و فولادی، ۱۳۸۶: ۳۶).

#### (ب) هنجارهای اخلاقِ طنز (مبتنی بر اخلاق اسلامی)

سیستم ارزش‌ها (اصول اخلاقی) در حرفه طنز، در اختیار قراردادن یک الگوی واضح از ارتباط سیصد و شصت درجه‌ای در محیط پردازش و مصرف طنز به نحو پایدار و متعهدانه است. طنزپرداز و مصرف‌کننده طنز به طور پیوسته با چالش‌های جدید مواجه خواهند بود، و در این موقعیت‌های متعارض اخلاقی (دوراهه‌های اخلاقی) انتخاب میان درست و نادرست همیشه واضح نیست؛ حتی افراد دارای اهداف عالی اخلاقی (بصیر اخلاقی) نیز می‌توانند خودشان را در شرایطی بیابند که برای آنها مسئله انتخاب روش یا محتوای ارتباط اخلاق‌مدارانه مبهم یا وسوسه‌انگیز است. از طنزپرداز و مصرف‌کننده طنز انتظار می‌رود که آگاهی و تسلط مناسبی بر اصول و معیارهای اخلاقی در یک شبکه منظم و به‌هم‌پیوسته، داشته باشد و با توجه به نقش خود در فعالیت حرفه‌ای، اقدامات خود را بر اساس این اصول و معیارها انجام دهد و با کمک این سیستم ارزشی، شبکه ارتباطی خود را مورد ارزیابی و اصلاح قرار دهد.

روش و محتوای طنز در دیدگاه اخلاقی بایستی خالی از تحقیر، تمسخر، استهزا و دروغ باشد. حفظ حریم شخصی انسان‌ها و عدم ضرر مالی و جسمی به آنها از مسائلی است که در اسلام به آنها تأکید فراوانی شده است. در قرآن کریم سوره حجرات آیه یازدهم مومنین از مسخره دیگران نهی شده‌اند؛ حال این تمسخر چه در قالب جدی باشد یا در قالب طنز و شوخی.

غالب طنزها مبتنی بر اصلاح، نقد و انتقادند. دانیل دوفو رمان‌نویس قرن هیجدهم انگلیسی می‌گوید: «هدف طنز اصلاح است» (جوادی، ۱۳۸۲: ۹۳). اغلب طنزنویسان ادعای چنین قصدی را دارند. این مسئله موجب می‌شود که طنزپرداز و مصرف‌کننده طنز همچون سوارکاران مرتب با موانع و مشکلاتی مواجه شود. این مشکلات هم می‌تواند منشاء درونی و شخصیتی داشته باشد و هم منشاء بیرونی. مواجهه طنزپرداز و مصرف‌کننده طنز با مسئله‌های اجتماعی مانند طلاق، فقر، ارتشاء، اختلاس، ریا و دورویی، ... از یک سو ذهن و روان حقیقت‌جو و عدالت‌خواه وی را به انفعال وا می‌دارد و قلم و زبان وی را به حرکت وامی‌دارد و از سوی دیگر او را با مخاطراتی مواجه می‌سازد. گاه ممکن است تیزی نیش طنز و گزندگی آن خصوصاً در حوزه‌هایی مثل سیاست و مذهب موجب شکسته‌شدن حریم‌های اخلاقی شده و موجب تمسخر، استهزاء، دروغ و تهمت شود. مضافاً اینکه جهل و نادانی نسبت به مرزهای اخلاقی، زمینه ورطه‌های غیراخلاقی را بیشتر می‌کند؛ مثلاً نشناختن مرزهای دروغ و معیار دروغ در موضوعی مثل طنز، موجب می‌شود طنزپرداز حتی ناآگاهانه در معرض چالش اخلاقی قرار گیرد. بر این اساس، شناخت اصول اخلاقی ناظر به طنز، کمک شایانی به طنزگویان، طنزپردازان و طنزان می‌کند.

جهت احصاء اصول اخلاقی طنز، توجه خود را به همه طرف‌های ارتباطی (طنزپرداز، مخاطب) معطوف کرده‌ایم و در هر قسمت متناسب با طنزپرداز یا مصرف‌کننده طنز مثال یا تبیین ارائه شده است. این بدان جهت است که طنز به عنوان یک رفتار، ارتباطی میان طنزپرداز یا مصرف‌کننده طنز با طرف دیگر یعنی مخاطب (فرد حقیقی، فرد حقوقی، گروه، جامعه) است. بر این اساس طیف وسیعی از اصول اخلاقی را می‌توان برشمرد ولی ملاحظه حجم اثر و اولویت اصول در مسئله پژوهش (طنز)، برخی از مهمترین آنها را بررسی می‌کنیم. بدون اغراق این گام نخست در ارائه اصول اخلاقی در حرفه طنز است. از این‌رو تمام ضعف‌های گام اول بودن را داراست. نگاه جامع‌نگرانه به شبکه فضایل و رذایل اخلاقی مرتبط با فناوری طنز، طنزپرداز، مصرف‌کننده طنز و شوخ‌طبعی، تحلیل چالش‌های اخلاقی حیطه طنز و ملاحظه اصول کارآمد در حل این چالش‌ها، فراوانی داده‌های اخلاقی ناظر به مسئله در روایات مزاح، خنده و معاشرت انسانی و مدل‌های موجود در ارائه سیستم‌ارزش‌ها در حوزه‌های اخلاق زیستی، اخلاق پزشکی

و اخلاق رسانه نگارنده را در ارائه گام نخست اصول هشت گانه اخلاقی طنز رهنمون کرد. بر اساس داده‌های برآمده از منابع اطلاعاتی بالا، در این مقاله هشت اصل اخلاقی صداقت، میانه‌روی، بی‌طرفی، احترام، رعایت حریم خصوصی، تناسب، پیش‌بینی‌پذیری و پاسخگویی در حوزه فناوری طنز تحلیل چارچوب نظری بررسی‌های نقادانه طنز جنسیتی و قومیتی به‌شمار می‌رود.<sup>۱۰</sup>

### ج) طنزهای نژادپرستانه

جوک‌های قومیتی، بخشی از آزار زبانی است که در جامعه ایرانی قدرت چشم‌گیری یافته است؛ به‌طوری که عده‌ای با آگاهی از مصائب زبانی آن، در برابر این عمل ضدفرهنگی و نامناسب تسلیم می‌شوند و به‌دلیل رایج بودنش همچنان به آن می‌پردازند (هارلند، ۱۳۸۰: ۱۶۸). می‌توان بدون اغراق مدعی شد، بحث‌انگیزترین و مخرب‌ترین طنزها، طنزهای قومیتی و نژادپرستانه است. متداول‌ترین شکل طنزهای قومیتی داستانی است که در آن یک یا چند تن از اعضای یک گروه قومیتی چیزی می‌گویند یا کاری می‌کنند که نشان از حماقت، تنبلی، بی‌بندوباری یا یک ضعف دیگر است (موریل، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

در یک تعریف عملیاتی می‌توان طنزهای قومیتی را این‌گونه تعریف کرد:

«شوخی طبیعی‌ای است که در آن رفتارها، آداب و رسوم، شخصیت و یا خصوصیات پدیدار یک قوم و گروه و یا اعضای آن به خاطر هویت خاص اجتماعی-فرهنگی‌شان مورد ریشخند قرار می‌گیرد. به این تعریف می‌توان افزود که این گروه‌ها از لحاظ تاریخی بدون قدرت بوده و معمولاً توانایی مقاومت در مقابل نسبت‌های ناروای طنز را ندارند».<sup>۱۱</sup>

در برخی مواقع یک طنز ساده درباره یک قومیت موجب اثرات اجتماعی سیاسی خواهد بود که علاوه بر هزینه‌های تحمیل شده بر دولت‌ها، اعتماد عمومی مردم را نسبت به دولت کاهش می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۲ میلادی آن وینترتون،<sup>۱۲</sup> نماینده پارلمان بریتانیا، به دلیل گفتن این لطیفه در یک مهمانی شام مجبور به استعفا شد:

«یک انگلیسی، کوبایی، ژاپنی و یک پاکستانی سوار قطار بودند. کوبایی با گفتن این که تو کشور من ده تایش را یک پنی می فروشد، یک سیگار برگ را از پنجره بیرون انداخت. ژاپنی یک دوربین نیکون را با گفتن این که در کشور من اینها ده تایش یک پنی قیمت دارد، بیرون انداخت. بعد انگلیسی پاکستانی را از پنجره بیرون پرت کرد» (روزنامه شهروند، ش ۴۸۳، تاریخ خبر: ۱۳۹۳ شنبه ۴ بهمن).

یا جنجال برنامه فیتیله، به پیامدهای پس از پخش نمایش «هتل فیتیله» از سری نمایش های عمو فیتیله ای ها از شبکه ۲ سیما اشاره دارد:

«در این نمایش تلویزیونی که یکی از قسمت های مجموعه فیتیله با نام هتل فیتیله ای بود، پدر و پسر تُرک زبانی قصد تُرک زودهنگام هتلی را دارند که علت آن را به صورت دست و پا شکسته به مسئول پذیرش، با مخلوط ترکی و فارسی، بوی بدی اعلام می کنند که از اتاقشان می آید. مدیر پذیرش بعد از بررسی متوجه می شود که فرزند مسافر، به جای استفاده از مسواک از فرچه توالت برای شستن دهان خود استفاده کرده و این بوی بد از دهان او متصاعد می شود. مسئول پذیرش هتل به مخلوط فارسی، ترکی و انگلیسی صحبت می کند و مسافران نیز به زبان های فارسی و ترکی جواب می دهند (سایت خبری تحلیلی تابناک، «فیتیله چه آیتمی درباره آذری زبان ها پخش شد؟»، تاریخ ۲۰۱۵:۱۱-۱۲).

پس از پخش این برنامه با وجود عذرخواهی مسئولان صداوسیما و غیرقانونی اعلام شدن هرگونه تجمع، تجمعات اعتراض آمیزی در ۱۸ آبان ۱۳۹۴ در شهرهای مختلف ایران، از جمله در تبریز، ارومیه، اردبیل، زنجان، مراغه، تهران، قم و گیلان برگزار شد. شرکت کنندگان در این تجمع ها پلاکاردهایی در اعتراض به «نژادپرستی» و «تبعیض علیه ترک ها» در دست داشتند (خبرگزاری صداوسیما، «تجمع در تبریز و برخی شهرها»، تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۵)

این گونه طنزها اغلب برای تمسخر فرد، گروه یا فرهنگ خاصی ساخته می شوند؛ بنابراین نه تنها سازنده نیستند، بلکه مخرب اند. طنزهای نژادپرستانه در آشکار متفاوتی پدیدار می شوند که

مهمترین آنها طنزهای قومیتی، مذهبی، جنسیتی، زبانی و سیاسی‌اند. فروید این نوع طنزها را در قالب شوخی‌های عمدی قرار می‌دهد و با نام‌گذاری آنها با عنوان کثیف،<sup>۱۳</sup> آن‌را به سه دسته جنسی، تهاجمی و بدبینانه تقسیم می‌کند (برگسون، ۱۳۷۹: ۷۲). در طنزهای نژادپرستانه که خنده‌آور نیز هست، هدف فقط خندانیدن مخاطب نیست؛ بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه، خنده‌ابزاری برای ترور شخصیت، هویت و فرهنگ مورد نقد طنزگونه مبدل می‌شود. در طنزهای نژادپرستانه، دو حالت خنده و خشم به صورت هم‌زمان ایجاد می‌شود. مهاجم می‌خندد و لذت می‌برد و تهاجم‌دیده رنج می‌برد و خشمگین می‌شود. این نوع طنز، با رفتارهایی مانند تحقیر، کودن‌نمایی، ویران کردن نمادها، ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، بزرگ کردن معایب، نقیضه‌گویی و... روح، ماهیت، توانایی و هویت افراد را آزار می‌دهد.

در باب تحلیل اخلاقی طنزهای نژادپرستانه و قومیتی در ایران، دو دلیل بر غیراخلاقی بودن این طنزها می‌توان اقامه کرد. در ادامه این دو دلیل را تحلیل کرده و قوت هر یک را از منظر اخلاق اسلامی می‌سنجیم.

### (۱) دلیل تقویت تبعیض

مهمترین دلیلی که می‌توان برای غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی ارائه داد، مسئله تقویت تبعیض است. تحلیل بسیاری از طنزهای قومیتی آنها را بر دارنده ایجاد یا تقویت باورهای تبعیض-آمیز در ذهن مخاطب و شنونده یا بیننده می‌داند. از این منظر طنزهای نژادپرستانه و قومیتی غیراخلاقی بودنشان به دلیل باورهای نژادپرستانه‌ای است که در این طنزها مستتر است. باورهایی درباره ضعف‌ها و خصالت‌های ناخوشایند درباره جامعه هدف مانند اصفهانی‌ها، لرها، ترک‌ها، شهرضایی‌ها، قزوینی‌ها و... در نظام اخلاقی دین، نژادپرستی و هر آنچه به این مسئله دامن‌بزند مردود است. تمام تلاش نبی مکرم اسلام از بین بردن نگرش عرب و عجم، تفاخر عربی و نگرش-های نژادپرستانه بود (مطهری، ۱۳۶۲: ۷۵-۷۶) با توجه به این نگرش کلان در نظام اخلاقی، سوالی که در اینجا مطرح است اینست که آیا همه طنزهای قومیتی حاوی باورهای نژادپرستانه است. به نظر می‌رسد با توجه به تفکیکی که در قسمت قبل بیان شد و نیز انگیزه‌های مختلف در تولید و

به کارگیری این طنزها، حکم به غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی به دلیل تقویت تبعیض حداقل در طیفی از این طنزها به دلیل عدم وجود چنین انگیزه و باوری صحیح نباشد.

برخی از طنزهای نژادپرستانه با نشان دادن تبعیض گروه اصلی نسبت به گروه فرعی، واکنشی منفی نسبت به گروه اصلی را به ذهن مخاطب القاء می‌کند و در واقع در حمایت از گروه فرعی شکل گرفته است. به عنوان نمونه در لطیفه‌ای که موجب استعفای پارلمان بریتانیا شد، لطیفه چه ویژگی منفی یا پستی را به پاکستانی‌ها نسبت می‌دهد؟ پذیرفتنی ترست بگوئیم نکته لطیفه اینست که انگلیسی‌ها نژادپرست‌اند و با مردم پاکستان و دیگر مستعمره‌های سابقشان رفتاری غیرمنصفانه دارند. پاکستانی این لطیفه کاری نمی‌کند و حتی توصیفی هم از او به‌دست داده نمی‌شود. انگلیسی است که با به قتل رساندن پاکستانی، رفتار نژادپرستانه انجام می‌دهد. وقتی هدف از این لطیفه نشان دادن نژادپرستی انگلیسی‌ها (قوم اصلی) باشد، البته که این لطیفه خصومت و تبعیض علیه پاکستانی‌ها (قوم فرعی) در بر ندارد. اتفاقاً برخی از این طنزها را می‌توان از منظر تبعیض مثبت،<sup>۱۴</sup> اخلاقی قلمداد کرد. طنزهای نژادپرستانه از قبیل طنز پاکستانی، با به کارگیری نژاد در محتوای طنز خود، نشانگر رفتارها و تبعیض‌های قوم اصلی باشد و تبعیض معکوس را در جهت انهدام هنجارهای مستحکم ناعادلانه نژادپرستی نسبت به قوم فرعی را به ذهن مخاطب القاء کند. مطالعات مردم‌شناسانه طنزها، دلیل تقویت تبعیض را نیز رد می‌کند. برخی مردم‌شناسان با مطالعه صدها لطیفه در سرتاسر جهان به این نتیجه رسیده‌اند که لطیفه‌هایی که بزودی و دیگر رذایل را به گروه‌های قومیتی نسبت می‌دهند در ده‌ها کشور الگوی اجتماعی یکسان دارد. مردم لطیفه‌های قومیتی را نه درباره گروه‌هایی که از آن متنفرند، بلکه درباره گروه‌هایی که شبیه خودشان هستند و در حاشیه فرهنگ غالب زندگی می‌کنند، بیان کرده‌اند (Davies, 1990). برای نمونه یکی از شخصیت‌های طنز که در هر قوم و نژادی اسمی ویژه آنجا را پیدا کرده ولی محتوای طنزش همان است، جحاست؛ جحای عربی، جحای فارسی، جحای ترکی، جحای مصری و... (مجاهد، ۱۳۸۲: ۳۰). یکی دیگر از این نمونه‌ها طنزهای ملانصرالدین است. در تمام این طنزهای مشترک آنچه دیده نمی‌شود ابراز خصومت و تحقیر قومیت فرعی است. در تحلیل‌های روانشناسانه، طنزهای قومیتی پاسخی بر برخی تنش‌های درونی فرد تفسیر شده است. به

عنوان مثال به گفته دیویس، طنزهای ناظر به «احمق‌ها»، در دو قرن اخیر در پاسخ به اضطراب مردم درباره به‌روز بودن دانش و مهارت‌شان، به‌خصوص در محیط کار، محبوبیت یافته‌اند. روزهای اوج لطیفه‌های لهستانی در ایالات متحده در چند دهه پیش، زمانی نبود که آمریکایی‌ها به لهستانی‌ها حس کینه یا تبعیض داشتند (لهستانی‌ها تا آن زمان به‌خوبی در فرهنگ آمریکایی ادغام شده بودند)، بلکه زمانی بود که آمریکایی‌ها از رشد علمی در ایالات متحده در شگفت بودند. طنز فضانوردی لهستانی که اعلام کرد تصمیم دارد با موشکش به خورشید برود را در نظر بگیرید. وقتی از او پرسیدند که چه‌طور گرمای خورشید را تحمل خواهد کرد، گفت: «نگران نباشید، شب می‌روم». بنا به گفته دیویس، این لطیف نمایانگر تحقیر نادانی لهستانی‌ها از سوی آمریکایی‌ها نیست، بلکه بیانگر ترس آمریکایی‌ها درباره نادانی علمی و فنی خودشان است (موریل، ۱۳۹۲: ۱۶۹). از منظر دیگر، انگیزه برخی از طنزهای قومیتی صرف‌خنده است. این انگیزه بیشتر در شوهای کم‌مدی، استند‌آپ کم‌مدی نمایان است. از این‌رو، دلیل تقویت تبعیض، جهت اثبات غیراخلاقی بودن طنزهای نژادپرستانه ناتمام است.

## ۲) دلیل تقویت مسئولیت‌ناپذیری اخلاقی

در مقدمه این دلیل باید نگرش دین را نسبت به مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به دیگران و جامعه بازخوانی کنیم. هدفداری خلقت انسان<sup>۱۵</sup> از یک سو و اراده آزاد وی از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری انسان را در برابر خدا، دیگران و محیط خویش توجیه می‌کند. مسئولیت‌پذیری چنان اهمیت دارد که در تفسیر امانت در آیه ۷۲ سوره احزاب از تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است:

ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان، آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود (حجرات: ۷۲).

مسئولیت‌پذیری انسان، مسئله تکالیف فردی و اجتماعی انسان را توجیه می‌کند. مسئولیت‌پذیری امری است که در تمام زمینه‌های زندگی جاری است و نقش مهم و

تعیین کننده‌ای در راستای اصلاح روابط اجتماعی دارد (فعالی، ۱۳۹۶: ۳۴۸). چنین نگرشی به انسان و مسئولیت‌پذیر دانستن وی، می‌تواند به حوزه‌های فکری و هنری انسان جهت دهد. با این نگرش، می‌توان از منظر دیگری، غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی و جنسیتی را اثبات کرد. آنچه ما را متقاعد می‌کند که غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی را بپذیریم این مسئله است که چنین طنزهایی گویندگان خویش را در روندی قرار می‌دهد که بتوانند مسئولیت اخلاقی‌شان را فراموش کنند. یکی از نقدهای جدی‌ای که به طنز و خصوصاً طنزهای نژادپرستانه و قومیتی وارد است اینست که این طنزها فرد را در قبال مسئولیت‌هایی که نسبت به دیگران مثلاً همان قوم فرعی دارد، رها می‌کند و اساساً فرد با قرار گرفتن در یک مکانیزم شوخی و خنده، مسئولیت خویش در برابر آنها را فراموش می‌کند. این مسئله که طنزهای نژادپرستانه چگونه فرآیند مسئولیت‌ناپذیری را در فرد یا گروه هدف تقویت می‌کند، با شناخت عوامل شکل‌دهی پدیده طنزهای نژادپرستانه روشن می‌شود. در تحلیل‌های جامعه‌شناختی شیوه‌های نامطلوب اجتماعی شدن، کوچک شدن دایره اعتماد، ماجراجویی و لذت‌جویی از عوامل اساسی طنزسازی و جوک‌سازی نژادپرستانه و قومیتی در جامعه ایران به‌شمار می‌رود (توکلی‌راد و غفاری، ۱۳۹۵: ۶۰۶). هنگامی که افراد نتوانند ارزش‌ها یا هنجارهای قانونی جامعه را به‌خوبی نهادینه یا درونی‌سازی کنند، جامعه به لحاظ اجتماعی دچار بحران‌های متعددی می‌شود. عدم آموزش صحیح، زمینه را برای شیوه‌های یادگیری‌های مهارت‌نامطلوب اجتماعی را فراهم می‌کند که طنزهای قومیتی، یکی از نمونه‌های بارز این مسئله است. یا زمانی که دامنه اعتماد در جامعه دچار نقصان شود، بستر برای گسترش طنزهای قومیتی در اشکال مختلف فردی، فرهنگی و سیاسی فراخ‌تر می‌شود. ریشه بسیاری از طنزها علیه قومیت‌ها، زبان‌ها، شخصیت‌های مذهبی و سیاسی در جامعه، کم‌رنگ شدن اعتماد متقابل است. وقتی اعتماد به روش‌های مختلف، در فضای جامعه از بین رود، کینه و دشمنی از راه‌های متعدد به‌ویژه در قالب جوک‌های نژادپرستانه بروز می‌یابد. دو عامل «ماجراجویی» و «لذت‌جویی» نیز در این روند تأثیر گذارند. برخی از افراد، خواسته یا ناخواسته برای تحریک احساسات دیگران و نیز تخلیه روانی خویش ماجراجویی می‌کنند. میل به آزار و مشاهده واکنش‌های گوناگون تهاجم‌دیدگان، بسترساز بسیاری از طنزهای آلود به تبعیض قومیتی، مذهبی و زبانی است. از سوی دیگر، درک نادرست از لذت و سرخوشی نیز ایجاد

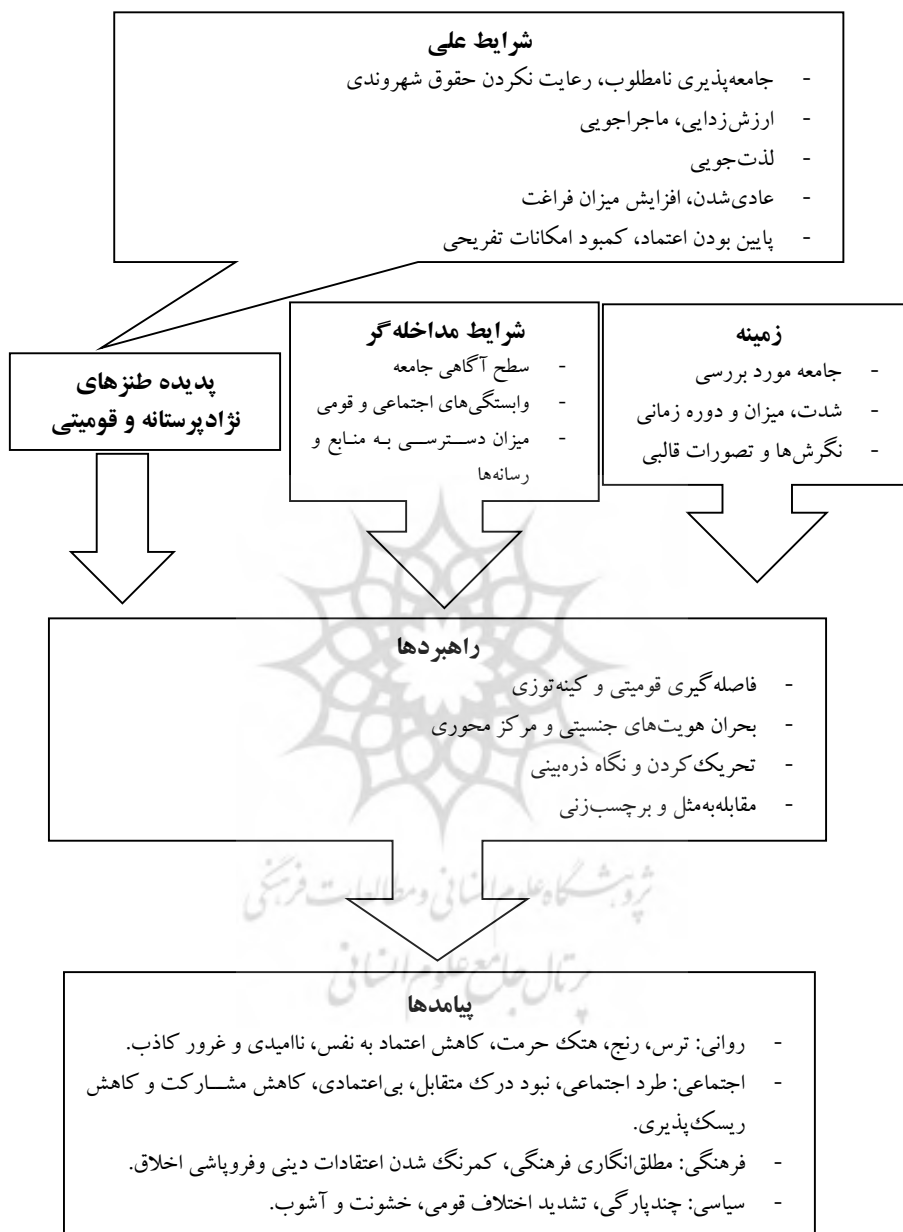


این طنزها را محتمل تر می سازد. در تمام این عوامل یک مسئله قابل درک است و آن تقویت مسئله مسئولیت ناپذیری فرد در قبال دیگران و جامعه است. فردی که برای رسیدن به شادمانی درونی خویش و لذت و با منشی ماجراجویانه به خلق و مصرف طنزهای قومیتی پردازد، خویش را نسبت به دیگران و جامعه رها کرده و مسئولیت های اخلاقی ای که در برابر دیگران دارد را به دست فراموشی می سپارد.

یکی از افراد مصاحبه شونده درباره جوک های قومیتی چنین می گوید:

وقتی جوک می سازیم و جوک ها را با گوش دادن تأیید می کنیم، مخصوصاً جوک هایی که از افراد و قومیت ها هتک حرمت می کنه، آیا به حق حیات اون ها تجاوز نکردیم؟ {مسئولیت ناپذیری} باید طوری زندگی کنیم که هم خودمون آرامش داشته باشیم و هم مغل آرامش دیگران نشیم. با جوک - ساختن برای افراد و قومیت ها، ما داریم حق اون ها رو در جامعه تضعیف می - کنیم. اطرافیان ما حرمت دارند و نباید اون ها را مسخره کرد. به دلیل نادانی براشون جوک می سازیم (همان: ۶۰۷).

طنزهای قومیتی، حاوی محتواهای متعددی است که سبب رنج و عذاب روحی عده ای می - شود و با هتک حرمت و ترور شخصیت آن قوم و فرد، اعتماد به نفس آنها را کاهش می دهد. مهاجمان در طنزهای قومیتی غالباً دچار یک تصور روانی باطل یعنی «غرور کاذب» در خود شده و از منظری خود را برتر از اقلیت مورد هجمه می داند. این خودبرزگ بینی، با خوار و خفیف - دانستن بخشی از جامعه همراه می شود و نتیجه آن، تخریب روابط دوستانه و برابر در جامعه می شود و این به دلیل عدم هم دردی و مسئولیت ناپذیری فرد نسبت به دیگران است (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۹). در پایان این بحث یافته های یک پژوهش آماری درباره علل، زمینه ها و پیامدهای اجتماعی طنزهای قومیتی در تأیید تقویت مسئولیت ناپذیری و رشد پیامدهای غیر اخلاقی این طنز در جدول ذیل نشان داده می شود.



### آثار و پیامدهای طنزهای نژادپرستانه

تقویت تبعیض دلیل مناسبی برای اثبات غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی نیست. طنزهای قومیتی از این جهت که موجب فراموشی مسئولیت‌های اخلاقی نسبت به خود و دیگران می‌شوند، غیراخلاقی تلقی می‌شوند.

### (د) طنزهای جنسیت‌گرا

سن، جنس، طبقه اجتماعی، قومیت و شغل و تحصیلات افراد تأثیری در میزان دریافت پیام‌های طنز جنسیتی ندارد، چرا که هر کس که به فراخور حال خویش در چند گروه تلگرام عضو باشد، حداقل در یکی از گروه‌ها با این پیام‌ها روبه‌رو می‌شود. این روزها همه جا از جمع‌های دوستانه و اقوام گرفته تا پیامک‌های تلفنی و شبکه‌های اجتماعی، با انبوهی از این نوع جوک‌ها مواجه هستیم (به نقل از سایت خبری رصد، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۱/۳۱).

واکنش گسترده به طنزهای جنسیت‌گرایانه در ایران که به تازگی در شبکه‌های مجازی و اجتماعی بالا گرفته است، بار دیگر اهمیت بررسی این پدیده را همچون نمادی از مردسالاری و خشونت روانی علیه زنان برجسته کرده است.

نگاه جنسیتی به انسان و سست کردن جایگاه زنان، در بسیاری از فرهنگ‌ها و در میان اقوام و ملل گوناگون دیده می‌شود و بی‌تردید، زبان و ادبیات فارسی نیز از این مسئله تأثیر پذیرفته است. در میراث اندیشمندان اسلامی-ایرانی، نگاه فرعی و نازل به جنسیت و زن در آثار پیشینیان به وفور یافت می‌شود. در منابع اخلاق‌اندرزنامه‌ای،<sup>۱۶</sup> به چگونگی رفتار با زنان پرداخته‌اند. مثلاً از اندرزنامه‌های مشهور این دوران، نصیحه‌الملوک غزالی است. بخش آخر این کتاب با عنوان «در صفت زنان» بلافاصله پس از موضوع خرد و در تناقض با آن مطرح شده که: «به حقیقت، هر آنچه به مردان رسد از محنت و بلا و هلاک، همه از زنان رسد» (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۵۵۹). نویسنده بخش دوم نصیحه‌الملوک دوازده درس را در مورد زنان تعلیم می‌دهد. از جمله زنان را بر حسب کردار و خوی به ده طبقه تقسیم کرده است و هر نوع را از لحاظ خوی و صفت در رده یک حیوان جای می‌دهد: خوک، بوزینه، روباه و جز این‌ها. در این میان، به اعتقاد او تنها «زنی

که خوی گوسفند دارد مبارک بود، همچون گوسفند که اندر همه چیزهای وی منفعت یابی» (به نقل از: صادقی گیوی، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

مسئله جنسیت در فرهنگ عامه، به ویژه طنزها، نشان از داوری‌های گاه، غیرقابل پذیرش و ناعادلانه درباره زنان دارد. موضوع نمود جنسیت در طنزها، پیوندی نزدیک با ویژگی‌های انسانی دارد؛ بنابراین، تقسیم‌بندی موضوعی آن نیز باید برپایه همین ویژگی‌ها باشد، که می‌توان آنها را در خصوصیات ظاهری و جنسی و عوامل اقتصادی و فکری جست‌وجو کرد. یک طنز ممکن است هم‌زمان در چند دسته جای گیرد؛ طنزهای متناسب با نمود جنسیت را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ویژگی‌های ظاهری: چهره و اندام

۲. ویژگی‌های جنسی: اعضای جنسی

۳. عوامل اقتصادی: مسائل مالی و معیشتی

۴. عوامل فکری: میزان آموزش، سواد و آگاهی

در تحقیقات داخلی درباره طنز و جوک‌های جنسیتی، با هدف بررسی چگونگی بازنمایی زنان در طنزها، با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی جوک‌های جنسیتی پرداخته و نشان می‌دهند که جوک‌ها متأثر از بازنمایی‌های کلیشه‌ای، سنتی، مردسالارانه و تا حدودی کلیشه‌های رسانه‌ای درباره زنان است. البته درباره دختران تأثیر عمده از کلیشه‌های رسانه‌ای اخذ می‌شود و به‌طور کلی جوک‌های جنسیتی در نهایت منجر به تقویت گفتمان مردسالاری می‌گردد.

در تحقیقی میدانی از طنزهای موجود در فضای مجازی گستره طنزهای جنسیتی در ایران در چهار گونه روابط غیرازدواجی و خیانت، ازدواج، روابط زنان و مردان، تفاوت‌های دختران و پسران گزارش شده است که در جدول ذیل نشان داده شده است (سفیری و دیگران، ۱۳۹۵:

مقوله اصلی	زیرمقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌های فرعی
طنزهای مرتبط با جنسیت	روابط غیرازدواجی و خیانت	تمسخر رفتارهای مرتبط: خرید شارژ ایرانسل، نوشتن شماره روی در دستشویی‌ها، دروغ-گویی در روابط غیرازدواجی، ناپایداری روابط غیرازدواجی، تعدد روابط، اهمیت مادیات در روابط، عدم اعتماد در روابط
	ازدواج	سختی ازدواج، زنان پر توقع، بی‌شوهری، غیرعقلانه بودن ازدواج، مصیبت دانستن ازدواج، نابالغ بودن فکری مردان برای ازدواج
	روابط زنان و مردان	زن ذلیلی، زن دوم، استفاده ابزاری زنان از جاذبه‌های جنسی، توقعات افراطی زنان از شوهران، سیگار کشیدن مخفیانه مردان، اهمیت فراوان به ماشین در مردان، ولخرجی در زنان، اهمیت کادوی روز زن، شکم پرستی مردان
	تفاوت‌های دختران و پسران	رضایت تحصیلی، درس نخواندن پسران، ناآشنایی دختر با فضای مردانه حساسیت‌های زنانه، رانندگی زنان، شوت بودن دختران، غیبت کردن دختران، حسادت دختران بچه ننه بودن پسران، چشم چرانی مردان، مهارت‌های پایین کامپیوتری زنان

مقوله پر سابقه جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی نیز در طنزهای جنسیتی به وضوح و پرتکرار خود را نشان می‌دهد. در جوک‌ها اشارات مکرری به نقطه ضعف‌های زنان و مردان یا دختران و پسران در قالب نوعی گروکشی جنسیتی صورت می‌گیرد که بعضاً با اغراق و بزرگ‌نمایی مایه

طنز پیدا می‌کند. مفاهیمی نظیر شکم‌پرستی مردان یا ولخرجی زنان یا مفاهیم آشنایی مثل زن ذلیلی، رانندگی زنان، چشم‌چرانی مردها، در کنار مفاهیمی که معاصرتر هستند نظیر پرداخت-های انتقادی به رفتارهای زنانه مردان جوان نظیر عمل کردن بینی، توجه بیش از حد به زیبایی، استفاده از کرمهای آرایشی و ... موضوعاتی اند که در طنزهای جنسیتی ضد زنانه و ضد مردانه در طنزهای امروزی دیده می‌شود.

ترویج تبعیض، تمسخر و تحریک هیجانات جنسی از جمله پیامدهایی است که موجب شده طنزهای جنسیتی، طنزهایی غیر اخلاقی قلمداد شود. اشارات «طنز آلود» یکی از روزنامه نگاران ایرانی درباره «کلودیای رومانی» مدل ایتالیایی که قرار است به عنوان اولین داور زن ایتالیا در رقابت‌های لیگ حرفه‌ای مردان ظاهر شود، اگرچه با استقبال هزاران نفر در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد، اما واکنش تند بسیاری را نیز در بر داشت. بسیاری طنزپرداز را به دلیل نوع پوشش و ظاهر داور زن به نگارش «ادبیاتی مضمّن کننده از تجاوز» متهم کردند. گروهی دیگر با چاپ عکس کلادیای رومانی که بر روی آن نوشته شده «این تنها یک لباس است، بله نیست»، بر ضرورت رویارویی با سکسیسم تاکید کرده و در اعتراض به طنزپرداز نوشته‌اند که «به این گونه افراد نخندیم، اعتراض کنیم». همچنین بسیاری برنامه «طنز آلود» مکس امینی در صدای آمریکا و شوخی‌های مجری برنامه درباره آئین شوهریابی و شوهرداری زنان، استفاده از واژه‌هایی چون «ترشیده»، اشاره به توجه زنان به حساب بانکی مردان همچون مهمترین معیار موفقیت در انتخاب شوهر و ... را نشانه‌ای از تحقیر و تمسخر زنان و سکسیسم خوانده و خواستار تحریم این برنامه شده‌اند.

از سوی دیگر، مدافعان این گونه شوخی‌ها و طنزها، این گونه «حساسیت» را نسبت به یک «شوخی جنسی» زیاده‌روی فمینیستی خوانده و آنان را به رفتار پلیسی در وادار کردن افراد به سانسور زبان و افکار خود متهم ساخته و مدعی‌اند مبارزه با سکسیسم به تدریج به تقبیح شوخی و لذت‌جویی جنسی منجر شده است.<sup>۱۷</sup> برخی از تحقیقات روانشناختی تبعیض گونه بودن این طنزها را به چالش کشیده و نشان داده است که در سنین خاصی مثلاً نوجوانان برای ابراز وجود و اعلام بلوغ سنی از شوخی‌های جنسی استفاده می‌کنند، چنان‌که برخی در بزرگسالی به منظور کم کردن فاصله اجتماعی و اپوخه کردن نزاکت در زندگی روزمره به شوخی‌های جنسی روی

می آورند.

طنزهای جنسیتی مقوله‌ای نظیر طنزهای قومیتی است. نقطه مرکزی انتقادات اخلاقی به طنزهای جنسیتی، مسئله تبعیض و ضدزنانه بودن این طنزهاست. به فرض نقد وجود تبعیض در این گونه طنزها، رها کردن فرد از مسئولیت‌های اخلاقی نقدی است که بر این نوع طنزها نیز وارد است. نگاه طنزآلود به نقص‌های زنانه موجب می‌شود این نگرش در مردان و پسران شکل گیرد که من مسئولیتی در قبال این ضعف و نقض زنان یا دختران نداشته و آنچه باید انجام دهم این است که در مواجهه با این نقص کنار بایستم و با خیال راحت فقط: بخندم!

### نتیجه

حوزه طنز یکی از حوزه‌های چالش برانگیز اخلاقی است. دو گونه از طنزها بیش از همه در معرض اعتراض و نقدهای اخلاقی قرار دارد. اول طنزهای قومیتی و دوم طنزهای جنسیتی. طنزهای قومیتی از یک جهت می‌تواند غیراخلاقی قلمداد شود و آنهم تقویت تبعیض. طیف‌بندی انگیزه‌های تولید چنین طنزهایی و دلایلی مانند تبعیض مثبت، این دلیل را ناتمام دانسته و تلقی غیراخلاقی بودن چنین طنزهایی را با خدشه مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، چنین طنزهایی به دلیل دیگری می‌تواند غیراخلاقی تلقی شود و آن مسئولیت‌ناپذیری اخلاقی است. یکی از نقدهای جدی‌ای که به طنز و خصوصاً طنزهای قومیتی وارد است این است که این طنزها فرد را در قبال مسئولیت‌هایی که نسبت به دیگران مثلاً همان قوم فرعی دارد، رها می‌کند و اساساً فرد با قرار گرفتن در یک مکانیزم شوخی و خنده، مسئولیت خویش در برابر آنها را فراموش می‌کند. این دلیل طنزهای جنسیتی را نیز در معرض قضاوت غیراخلاقی بودن قرار می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. مراد ما از چالش اخلاقی در اینجا معنایی اعم از تعارض اخلاقی در حوزه اخلاق کاربردی است. واژه چالش در اصطلاح امروزی، دلالت بر تعارضات، موانع و آسیب‌ها دارد (جمعی از نویسندگان، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، ۲/۲۱۳). مراد از چالش اخلاقی در این مقاله، مشکلات، آسیب‌ها و پیامدهای منفی‌ای است که از جهت اخلاقی برای حوزه طنز (اعم از اثر هنری طنز، سبک ارتباطی طنز و منش طنزپردازانه داشتن

و نیز اعم از خالق طنز و مصرف کننده طنز) به وجود می آید و باعث تضعیف یا از بین رفتن ارزش ها و ملکات نفسانی است. بر اساس این معنا چالش اخلاقی اعم از تعارض اخلاقی است. برای نمونه در شیوه ارائه طنز به صورت کاریکاتور، طنزپرداز با چالشی به عنوان هتک حرمت مواجه می شود و از آنجایی که اخلاقاً موظف به رعایت حرمت اشخاص است، بررسی این چالش از منظر اخلاقی ضرورت می یابد.

2. Racist Humor

3. Sexist Humor

۴. عنوان «روایی» بر مدخلیت عنصر اختیار و اراده انسانی دلالت دارد.

5. unethical

6. unethical

7. ethical

۸. ملاک های ارزش اخلاقی بودن اثر هنری طنز، تفاوت ارزش زیبایی شناختی و ارزش اخلاقی، نسبت این دو ارزش در بحث نقد اثر هنری طنز، و سئوالاتی از این قبیل بحث مهم ارزیابی اخلاقی اثر هنری که یکی از مسائل حوزه دانشی فلسفه هنر است را پیش می کشد که در جای خود قابل بحث و پیگیری است.

۹. در سبک زندگی یکی از مسائل مهم خصوصاً بعد از پدیدار شدن دنیای صنعتی و تکنولوژی، مسئله فراغت است. از سوی دیگر با رشد تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی، کارکرد فراغتی طنز(صرف خنده و شادی) به شدت مورد توجه قرار گرفته و حتی در بسیاری از موارد از دیگر اهداف و کارکردهای آن پیشی گرفته است.

۱۰. نگارنده در فصل دوم رساله دکتری خود با عنوان «اخلاق و طنز با رویکرد اسلامی»، به تفصیل اصول اخلاقی طنزپرداز را بررسی کرده است.

۱۱. مقاله «شوخی و قومیت»، به نقل از وبلاگ <http://nationalism.blogfa.com/post-55.aspx>

12. Ann Winterton

13. Dirty joke

۱۴. تبعیض مثبت (Affirmative Action) به معنی در پیش گرفتن سیاست و روشی برای اصلاح رویه های تبعیض آمیز در برابر اقلیت های نژادی، زنان، از کارافتادگان و سایر گروه هایی است که در طول تاریخ، از برخی یا بسیاری مزیت های اجتماعی بی بهره مانده اند. برای مثال، در سال ۱۹۷۰ در امریکا، سیاهان دوازده درصد جمعیت را دارا بودند اما فقط ۲۲ درصد پزشکان از نژاد سیاه بودند. دانشکده پزشکی کالیفرنیا در اجرای برنامه تبعیض مثبت، رویه پذیرش دانشجو را تغییر داد و از هر صد پذیرش، شانزده مورد را برای سیاهپوستان اختصاص داد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۳۱-۳۳۹).

۱۵. آیات بسیاری از قرآن به شیوه عام یا خاص، به این مسئله اشاره دارد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ \* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی



یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است. همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار] (آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱)؛ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید» (مؤمنون: ۱۱۵)؛ «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟» (قیامت: ۳۶) و «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» (ذاریات: ۵۶).

۱۶. سنت‌های ایرانی پیش از اسلام که عمدتاً در ادبیات اندرزنامه‌ای نمود یافته‌اند، با ظهور اسلام، گاه با از دست دادن محتوای مزدایی و پذیرش قالب دینی جدید و زمانی به صورت اصلی، در شکل اخلاق اندرزنامه‌ای پس از اسلام آشکار شد (صادقی، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

۱۷. درویش‌پور، «سکسیسم در طنز، جلوه‌ای از خشونت روانی علیه زنان»، وبلاگ نان و گل سرخ:  
<http://wsu.blogsky.com/>



## منابع

قرآن کریم

- ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۸۴)، *اخلاق و راه سعادت*، اصفهان: گلپهار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۶)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، *نشانه‌شناسی مطایبه*، اصفهان: نشر فردا.
- اسلامی، محمد تقی و دیگران، (۱۳۸۸)، *اخلاق کاربردی چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اسلامی، محمد تقی، (۱۳۹۳)، «شناسنامه علمی اخلاق کاربردی»، *پژوهش‌نامه اخلاق* ۲۵، ش ۷، صص ۲۲-۷.
- اصطانی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز همراه با نمونه‌های متعدد برای مداخل‌ها*، تهران: نشر قطره.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- ایرج میرزا، (۱۳۶۴)، *برگزیده دیوان ایرج میرزا*، تهران: گلی.
- برگسون، هانری لوئی، (۱۳۷۹)، *خنده*، تهران: شباویز.
- بهزادی، حسین، طنز و طنزپردازی در ایران، (۱۳۷۸)، *پژوهشی در ادبیات اجتماعی، سیاسی، انتقادی علل روانی و اجتماعی*، تهران: نشر صدوق.
- تجبر، نیما، (۱۳۹۰)، *نظریه طنز بر بنیاد متون برجسته طنز فارسی*، تهران: مهر ویستا.
- توکلی‌راد، مهرداد و غلامرضا غفاری، (۱۳۹۵)، «جوک‌های سیاه، تعامل‌های اجتماعی و پیامدهای غیرسازنده آن»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران* ۲۰، ش ۵، صص ۵۹۶-۶۱۹.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۸۱)، *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۱)، *پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق*، قم: بوستان کتاب.
- جوادی، حسن، (۱۳۸۲)، *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*، تهران: کاروان.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حری، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، *درباره طنز رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی*، تهران: سوره مهر.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، *طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام*، تهران: بهبهانی.

- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۸۷)، *طنز و تراژدی*، تهران: ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم، الدارالشامیه.
- سپهری، سهراب، (۱۳۹۱)، *هشت کتاب*، تهران: انجمن قلم ایران.
- سفیری، خدیجه و زهرا شهرزاد، (۱۳۹۵)، «تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده در برنامه «اتاق جوک»»، *مطالعات فرهنگ ارتباطات* ۶۷، ش ۱۷، صص ۱۰۸۸۱.
- سلیمانی، محسن، (۱۳۹۱)، *اسرار و ابزار طنزنویسی*، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، *نوشته بردریا*، از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی، میراث عرفانی ایران، تهران: سخن.
- صابری فومنی، پوپک و دیگران، (۱۳۸۰)، *محیط زیست*، گزیده آثار دومین مسابقه طنز و کاریکاتور گل آقا، تهران: گل آقا.
- صادقی گیوی، فاطمه، (۱۳۹۲)، «قدرت و جنسیت در ایران، پژوهشی در آرای اخلاقی از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری»، *سپهر زنان*، تهران: نگاه معاصر.
- عبیدزاکانی، عبیدالله، (۱۳۹۵)، *کلیات عبیدزاکانی*، تهران: وزراء.
- فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۹۳)، *بررسی متون طنزآمیز عامیانه ایرانی*، (گونه‌شناسی شخصیت‌ها و کارکردهای داستان‌ها)، تهران: نشر علم.
- فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۹۳)، *اخلاق حرفه‌ای*، قم: مجنون.
- فرانکنا، ویلیام، (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق*، تهران: حکمت.
- فعالی، محمدتقی، (۱۳۹۶)، *بخشش*، قم: انتشارات آل یاسین.
- فولادی، علیرضا، (۱۳۸۶)، *طنز در زبان عرفان*، قم: فراگفت.
- فوشه کور، شارل هانری دو، (۱۳۷۷)، *اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری*، ترجمه محمدعلی امیرمعزی، عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- کاشانی، ملامحسن، (۱۳۳۹)، *المحججه البیضا فی تهذیب الاحیاء*، تهران: مکتب الصدوق.
- گات، بریس و دیگران، (۱۳۸۴)، *دانشنامه زیبایی‌شناسی*، «مدخل طنز، به قلم تدکوهن»، تهران: فرهنگستان هنر.
- مجاهد، احمد، جوحی، (۱۳۸۲)، *طنز جحا*، تهران: دانشگاه تهران.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۳۸۵)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالهدایه.  
مصباح، محمد تقی، (۱۳۸۶)، *فلسفه اخلاق*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
مصباح، محمد تقی، (۱۳۹۲)، *اخلاق در قرآن*، جلد اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام  
خمینی (ره).

مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: انتشارات صدرا.  
موریل، جان، (۱۳۹۲)، *فلسفه طنز، بررسی طنز از منظر دانش، هنر، و اخلاق*، ترجمه محمود فرجامی و  
دانیال جعفری، تهران: نشر نی.

نجاریان، بهمن و دیگران، (۱۳۷۹)، «شوخی و طنز در روان‌درمانی»، *تازه‌های روان‌درمانی* ۱۷-۱۸، ش ۱،  
صص ۵۱-۶۵.

زراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۸۱)، *مثنوی طاق‌دیس*، قم: نهان‌دی.  
زراقی، مهدی بن ابی ذر، (۱۴۲۴)، *جامع السعادات*، قم: موسسه اسماعیلیان.  
هارلند، ریچارد، (۱۳۸۰)، *ابر ساختگرایی، فلسفه ساختگرایی و پیاساختگرایی*، تهران: سازمان تبلیغات  
اسلامی، حوزه هنری.

هریس، رابرت و دیگران، (۱۳۸۶)، «هدف و شیوه طنز»، *شعر ۵۲*، ش ۱۵، صص ۱۱۲-۱۵.  
Davies, (1990), *Chrisrie, Ethnic Humor Around the World: A Comparative Analysis*,  
Indiana University Press.